

حجاب

و استر عورت در نماز

دیازین: الحاج محمد شاه پیمان سویدن



Ketabton.com



۱۳۹۷

۱۱ ۱۱ ۱۱

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

بسم الله الرحمن الرحيم

حجاب

و ستر عورت در نماز

حجاب :

در قاموس معجم لغة فقها در باره حجاب آمده است که:

حجاب عبارت است: «الحجاب ما تلبسه المرأة من الثياب لستر العورة عن الأجانب» (حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می پوشد.) (معجم لغة الفقهاء، 1408 ق: ذیل حجاب).

در تعریف متذکره سه نقطه اساسی و قابل تأمل جدی وجود دارند:

اول:

لفظ «مرأة» است که نشان می دهد حجاب مترادف «پوشش زن» است و تعبیر حجاب مردان، تعبیر نادرستی است.

دوم:

مسأله «عورت» است که طبق این تعریف، حجاب برای پوشاندن آن به کار می رود و مصداق آن در مورد زن، همه بدن به جز وجه (روی) و کفین (قدم ها) . مؤلفه ای دیگری که با توجه به این تعریف در مفهوم حجاب، مأخوذ است، پوشش از نامحرم (عن الأجانب) است.

تحقیق و تفحص در کتب فقهای مسلمان ما را به این حقیقت هدایت و رهنمایی میکند که : حجاب به عنوان يك وظيفة شرعی و حکم الهی مقام و منزلت خاص و بخصوصی در شرع مقدس اسلام دارا میباشد ، طوریکه اصل این حکم از ضروریات دین مقدس بشمار میرود.

خواننده محترم !

پروردگار با عظمت ما در (سوره اعراف آیه : 31) با زیبایی می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (ای فرزندان آدم، زینت خود را در هر مسجدی (نماز) بگیرید و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید هر آینه الله اسرافکاران را دوست ندارد).

هدف از زینت در آیه متبرکه چیست ؟

اکثریت علماء بدین باور که در فهم «زینتکم» در آیه متبرکه هم زینت های جسمانی نمازگزار و هم زینت معنوی نمازگزار شامل میگردد .

در زینت جسمانی باید لباس نمازگزار باید پاک و مطهر باشد ، یعنی در وقت نماز باید لباس مطهر و پیاگیزه باید بتن کند ، موها خویش را منظم و شانه زند ، در صورت ممکن عطر و خوشبوی لازم استعمال نماید ، و سایر کار های برای زینت یک شخص مسلمان است باید قبل از ایستاده شدن به نماز آنرا رعایت و عملی سازد و با یک زیبایی خاصی در پیشگاه پروردگار با عظمت غرض انجام ملاقات ایستاده شود .

و در «زینت های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص و مانند آن شامل میگردد.

از جانب دیگر حکم این آیه متبرکه شامل همه مسلمانان در هر زمان و مکان می‌گردد ولی بالخص حکم این آیه متبرکه شامل اعراب دوران جاهلیت میشد که ، در زمان جاهلیت به هنگام آمدن به مسجد الحرام و طواف خانه خدا، کاملاً عریان و برهنه می بودند، میشود. شانزول (آیه 31 سوره اعراف):

ابن عباس رضی الله عنه مفسر شهیر جهان اسلام درمورد شانزول آیه متبرکه مینویسد : عمل مشرکانی را که در خانه کعبه برهنه طواف می کردند، مردود اعلام می کند. به دلیل همین آیه و احادیثی که در معنی آن روایت شده است، سنت است که شخص نمازگزار در حال نماز به بهترین شکل و شمایل خویش حاضر شود زیرا نماز، مناجات با پروردگار متعال است بنابراین، به کار گرفتن زینت و استعمال خوشبویی در هنگام ادای نماز مستحب می باشد و چنانکه در احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است، لباس سفید از بهترین لباسهاست. جمهور فقها برآنند که پوشیدن عورت، فرضی از فرایض نماز است. لازم به تذکر است که مشرکان در دوران جاهلیت، اعم از زن و مرد، لخت و عریان به دور کعبه طواف میکردند، زیرا معتقد بودند که با لباسهایی که در آن گناه انجام داده اند نباید با همان لباس طواف کرد، لذا لوچ و عریان طواف میکردند و هنگام طواف به کف زدن ها می آغازیدند ، صوت ها و صدای های مخصوصی میکشیدند و میگفتند: « **اليوم يبدوا كَلَه او بعضه فما بدا منه فلا احلّه** ». بدین معنا که: امروز پاره ای از بدن من و یا تمام بدن من نمایان میشود، و آنچه که نمایان شود را برای دیگران حلال نمیدانم! بنابراین خداوند متعال در این آیه امر فرموده است که هنگام نماز زینت خود را مراعات کنند و عورت خود را بپوشانند.

خواننده محترم!

نباید فراموش کرد که: حفظ حجاب و بخصوص حفظ ستر عورت شرط اساسی قبولی نماز است، و حکم همه علماء همین است که اگر عورت نمازگزار در نماز دیده شود ، نمازش قبول نمیگردد.

همه علماء و فقها دراین مورد متفق القول اند که اگر عورت زن و مرد در هنگام نماز نمایان باشد، نمازش باطل و مردود است و باید از سر نماز بخواند وگرنه بریء الذمه نخواهد شد، زیرا یکی از شروط صحت نماز، پوشش عورت در وقت ادای نماز است، ولی اگر نمازگزار ستر عورت خویش را مراعات نموده باشد و به اصطلاح در ستر عورت خویش سهل انگاری نکرده باشد ولی در هنگام نماز، ناخودآگاه و بصورت ناگهانی عورتش کشف شود ولی سریعاً آنرا بپوشاند نمازش صحیح است، بنابراین قبل از خواندن نماز، نمازگزار خود را در تنظیم لباس خویش آماده سازد ، باید لباسی بپوشد که عورتش نمایان نشود ولی اگر پس از آن بصورت ناگهانی (مثلاً هنگام سجود) عورتش کشف شود ولی سپس آنرا بپوشاند نمازش صحیح است.

طوریکه قبلاً متذکر شدیم حکم پروردگار همین است که « ای فرزندان آدم در هنگام هر نمازی عورت های خود را بپوشانید». (سوره اعراف :آیه 31)

وطوریکه در فوق متذکر شدیم ، این در حالی بود که مردم قبل از اسلام به حالت عریان و لوچ خانه کعبه را طواف می کردند و به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم: «لایقبل الله صلاة حائض إلا بخمار» «خداوند نماز هیچ زن بالغی را بدون چادر قبول نمی کند»، (حدیث ابوداود(627). باید عمل نماید .

علل و فلسفه حجاب:

- حکمت ، فلسفه و علل حجاب در نماز را علماء بشرح ذیل فورمولبندی نموده اند:
- 1- حجاب نوعی از تمرین است که شخص مسلمان آنرا باید بحیث عادت دایمی خود مبدل نماید .
 - 2- رعایت حجاب شرعی در نماز ، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صدچندان می‌سازد .
- داشتن پوشش کامل در پیشگاه پروردگار، نوعی ادب و احترام به الله است. از این رو برخی از علماء را عقیده بر آنست که : برای مرد ها نیز مستحب که در وقت نماز سر خود را بپوشانند و حتی تعدادی از علماء میفرمایند که پوشیدن عباء برای نماز گزار مستحب بوده و این تعداد از علماء بر این عقیده اند که : این عمل به خضوع و خشوع در نماز می افزاید.
- همچنان برخی علماء بر این عقیده اند که : همین ادب حضور در پیشگاه الهی زمینه‌ساز حضور معنوی و بار یافتن به محضر حق می‌شود.

یادداشت:

افزون بر آن، حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت‌هایی معینی دارد و با آن قابل مقایسه نیست؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است؛ ولی در نماز ، بدون حضور نامحرم ، واجب نیست.

درمورد رعایت و حفظ حجاب در نماز باید گفت که مساله تنها و تنها مخصوص زنها نمی گردد، بلکه حفظ حجاب در محدوده معین بر مردان و زنان هر دو لازم است، مثلاً پوشانیدن عورت و بعضی قسمت‌های بدن از دید انسان‌های دیگر بر مردان و زنان واجب است.

همچنین نماز خواندن با بدن برهنه و لوچ در مردان و زنان هر دو موجب بطلان نماز است. بنابراین، رعایت حجاب برای انسان‌ها گاهی به خاطر وجود انسان‌های نامحرم است و گاهی به خاطر صحت عبادت است که در بعضی موارد هر دو علت با هم جمع می‌شوند، مثل نماز خواندن در حضور اشخاص نامحرم و گاهی فقط به خاطر صحت عبادت است، مثل نماز خواندن در اتاق در بسته و تنها . اختلاف بعضی شرائط این دو حالت، بهترین گواه بر مطلب است؛ مثلاً طهارت و مباح بودن لباس در نماز شرط است، اما در حفظ حجاب از نامحرم شرط نیست.

اهداف، حکمت‌ها و فوایدی که از رهگذر انجام دستورات الهی به انسان می‌رسد، متناسب با ساختار وجودی اوست که مرکب از بعد مادی و معنوی، یعنی جسم و روح است و دستورات الهی زمینه را برای سعادت دنیایی و اخروی آماده می‌کند.

پس اگر در موردی به منافع مادی یک عمل پی‌نبردیم، دلیل بر بی‌هدفی و ناقص بودن آن عمل نیست و از آنجا که عقل و فهم آدمی مانند اصل وجودش محدود است، پس به فواید و حکمت‌هایی که خالق نامحدود وضع کرده، به طور کامل پی نخواهد برد.

عورت مرد در نماز:

طوری‌که در فوق یاد آور شدیم ، اگر عورت زن و مرد در هنگام نماز نمایان باشد، نمازش باطل و مردود است و باید نماز خویش را از سر اعاده نمایند در غیر آن بریء الذمه نخواهد شد، و گفتیم یکی از شروط صحت نماز، پوشش عورت در وقت ادای نماز است .

طوری که معروف است عورت مرد از ناف تا زانوهایش است همچنانکه در این باره حدیثی مرفوع از عمرو بن شعیب از پدرش از جدهش آمده که: «**مابین السرة والركبة عورة**» «عورت (مرد) بین ناف و زانوهایش است». (إرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل 271) ، دارقطنی أحمد و أبوداود آن را روایت کرده اند.

و حدیثی دیگری در این باب همانا حدیثی جرهد اسلمی است ، که میفرماید: روزی پیامبر اسلام از کنار من عبور کرد در حالیکه لباس بر تن داشتم ولی رانم از آن نمایان بود . پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**غَطْ فَخْذَكَ فَإِنَّ الْفَخْذَ عَوْرَةٌ**» (رانت را بپوشان چون ران عورت است). (الإرواء 269).

بنأ حکم شرعیت اسلامی در نزد اکثریت علماء همین است که ران هم در نماز برای مرد ها از جمله عورت میباشد .

بنابر این کسی که این شرط «پوشش عورت» را در نماز رعایت نکند، پس نمازش هم صحیح نیست و باید از نو و با پوشش کامل عورت نمازش را بخواند . هکذا وظیفه تمام مسلمانان است تا اگر کسانی را که میبینند که عورت خویش را در نماز مراعات نمی کنند ، بخصوص زنان ، این حکم اسلامی را به آنها از طریق موعظه حسنه برسانند .

دلیل شرعی بر عورت مرد از ناف تا زانو:

احادیث متعددی بر این امر دلالت می کنند که عورت مرد مابین ناف تا زانو است، و حتی امام شافعی و امام حنبل فرموده اند که: خود ناف و خود زانو هم جزو عورت نیستند، ولی امام صاحب ابو حنفیه فرموده است که: ناف جزو عورت نیست اما زانو عورت است. (تفصیل موضوع را میتوان در: (المجموع (173/3)، و «المغنی» (286/2)، و «بدائع الصنائع» (6 / 2961). به تفصیل مطالعه فرماید).

همچنان سایر احادیثی که بیانگر این حکم هستند عبارتند از:

1- در حدیثی از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «**لَا تُبْرِزُ فَخْذَكَ ، وَلَا تَنْظُرَنَّ إِلَى فَخْذِ حَيٍّ وَلَا مَيِّتٍ**» أبو داود (3140) وابن ماجه (1460). یعنی: «ران خود را نمایان مکن، و به ران هیچ انسان زنده یا مرده ای نگاه مکن».

2- در حدیثی از محمد بن جحش رضی الله عنه روایت است: «**مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا مَعَهُ عَلَى مَعْمَرٍ ، وَفَخَذَاهُ مَكْشُوفَتَانِ ، فَقَالَ : يَا مَعْمَرُ ، غَطِّ فَخْذَيْكَ فَإِنَّ الْفَخْذَيْنِ عَوْرَةٌ**» مسند أحمد (21989). یعنی: «بهمراه پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار معمر عبور کردیم که او رانهایش ظاهر شده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: ای معمر! رانت را بپوشان چرا که رانها جزو عورت اند».

همچنان احادیثی که در فوق از جرهد اسلمی روایت نمودیم «**أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْفَخْذَ عَوْرَةٌ ؟**» مگر نمی دانی که ران عورت است؟ . أحمد (15502) وأبو داود (4014) و ترمذی (2798).

و حدیثی که از حضرات ابن عباس رضی الله عنه روایت گردیده: «**الْفَخْذُ عَوْرَةٌ**» ترمذی (2798). یعنی: «ران جزو عورت است».

هکذا شیخ البانی در کتاب «الإرواء» (297/1) درباره این احادیث چنین گفته است: «اسناد این احادیث هرچند خالی از ضعف نیستند .. اما همدیگر را تقویت می کنند، زیرا در

در مورد اینکه عورت زن در نماز چه قسمتهایی از بدن آن را دربر میگیرد ، موضوع است قابل بحث و اختلاف در بین علماء دین ، برخی از علماء و فقهای اسلامی را عقیده بر این است که : برای زن فقط ظاهر کردن روی در هنگام نماز جائز میباشد ، ولی برخی دیگری از علماء نپوشیدن دستها و صورت را جائز میدانند، و این رأی جمهور علماء میباشد، ولی برخی دیگری از علماء فقط ظاهر کردن روی ، دستها و پاها را هنگام نماز جائز میدانند، و این رأی امام صاحب ابو حنیفه است، و مذهب ابن تیمیه، و همچنین مذهب علامه ابن عثیمین رحمه الله از علمای معاصر نیز در این مورد بر این اساس است و فکر میکنم این رأی قریب به ثواب باشد .

ولی بهر حال برای خروج از خلاف، بهتر و اولی تر است که یک زن هنگام نماز فقط دستها و روی خویش را نمایان و ظاهر کند و پاهایش را با جورابی که نازک و شفاف نباشد و یا با لباس بلندش بپوشاند، ولی اگر پاهایش را نپوشاند نمازش صحیح میباشد، البته در اینصورت نباید پاهایش تا بیشتر از کعبین نمایان شود.

اما در مورد لباس و پوشش زن در برابر محرم، ضوابطی وجود دارد که باید بصورت دقیق رعایت و مورد نظر گرفته شوند:

1- تمام زن در برابر محارمش مانند پدر، برادر، فرزندان برادر و غیره عورت است مگر اندامهایی که بعلت کار در خانه معمولاً نمایان میشوند مانند نمایان شدن دستها تا آرنج، و پاها و اندازه کمی از ساق پا، سر و صورت و گردن. در این مورد دستور پروردگار با عظمت در (آیه: 31 سوره نور) چنین فرمولبندی گردیده است:

« وَلَا يُدِّينُ زَيْنَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ » (و زینت خود را آشکار نسازند جز برای شوهران یا پدران شوهران یا پسرانشان یا پسران شوهران یا برادرانشان یا پسران برادران یا پسران خواهرانشان یا زنان همکیشان) زیرا معمولاً در برابر محارم نمایان شدن این اعضاء فتنه انگیز نمیباشد، ولی در اینحالت نیز بایست نزدیکی و دوری این محارم را در نظر گرفت، مثلاً نمایان شدن این اندامها در برابر پدر فرق میکند تا در برابر

پسر شوهر (از مادری دیگر)، هر چند هر دوی آنها محرم میباشند، نباید فراموش کرد : که اگر روزگار زندگی طور پیش آید که : در برابر محارم نیز ترس از وضوع فتنه باشد پس در اینصورت زن باید خود را از محرم نیز بپوشاند تا جلو فتنه و افتادن در مصیبت نیز گرفته شود .

2- قابل تذکر است که بهیچ وجه جائز نیست که یک زن لباس و یا تنبان و یا هم پتلون تنگ، لباس نازک و شفاف، لباس کوتاه و از این قبیل ملابس فتنه انگیز در برابر هیچکس (چه محرم باشد و چه نامحرم و چه در برابر زن و یا فرزندان که قابل تمییز باشند) ، البته بجز شوهر - بپوشد، زیرا اینوع لباسها در واقع عورت زن را نمایان میکند و لذا سبب فتنه میشود و از لباس حشمت (بزرگی . حرمت ، احترام ،قدرو منزلت) یک زن مسلمان بحساب نمیاید، بلکه تشبیه به زنان کافر و فاقد حیاء ،ابرو وعزت میباشد، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: « من تشبه بقوم فهو منهم » (روایت ابو داوود ، حدیث صحیح) یعنی: (هر کسی که خود را شبیه قوم دیگری سازد از جزو آنان بشمار میرود). و همچنین فرموده است: « دو گروه از اهل دوزخ را ندیده ام، گروهی که شلاقهایی مانند دم گاو بهمراه دارند و مردم را با آن شلاق میزنند، و زنانی که لباس بر تن دارند ولی عریان هستند، چپ و راست و بصورت مائل راه میروند، سرهایشان مانند کوهان شتر میباشد، وارد بهشت نمیشوند و بوی بهشت هم نمیشنوند، در حالی که بوی از راههای خیلی دور (برای کسی که اهلش باشد) به مشام میرسد. » (روایت مسلم)

پس پیامبر صلی الله علیه و سلم بر حذر داشته است زنانی که خود را شبیه کسانی کنند که لباسهای تنگ، نازک، شفاف، و یا کوتاه میپوشند بگونه ای که برجستگی اندامهایشان نمایان شود و یا انگار لباس بر تن ندارند و لخت هستند، پس یک زن مسلمان نباید خود را شبیه این زنان لخت و عریان سازد.

3- نمایان کردن سینه و شکم و ما بین ناف و زانو، فقط برای شوهر جائز میباشد، و یا برای طبیب مختص، آنهم فقط هنگام ضرورت و برای مداوا.

4- اما در مورد عورت زن نسبت به زنان دیگر، اگر طرف دیگر مسلمان نباشد، بعضی از علماء آن را مانند مردان نا محرم دانسته اند، لذا از نظر این علماء باید تمامی بدن خود را (بغیر از سر و صورت) بپوشاند، ولی علمای دیگر نظرشان بر اینست که عورت زن چه در برابر زن کافر و چه زن مسلمان یکسان میباشد، یعنی نمایان شدن اندامهای زن در برابر این زنان، بغیر از ما بین ناف و زانو، مجاز است، و اشکالی ندارد، ولی این به این معنی نیست که زن با سینه لوچ و عریان در پیش این زنان بگردد، زیرا بدین روش نمایان شدن از اخلاق زنان فاسق و خلافکار هست، پس هر چند نمایان شدن بالای ناف و زیر زانو در برابر زنان مجاز میباشد ولی باز هم بایست لباسهایی بپوشد که نشانگر خُلق و خو و حیاء و حشمت یک زن باشد.

خواننده محترم !

اگر از جزئیات مساله بگزیریم : بصورت کل گفته میتوانیم که بریک زن نمازگزار واجب است که در حین ادای نماز تمام بدن خویش را بپوشاند بجز روی و دستها؛ چون همه بدن زن عورت است.

اگر در حالی نماز خواندن چیزی از عورت او مانند ساق یا پا و سر و یا بخشی از آن لوچ

باشد، نمازش صحیح نمیگردد، چراکه حکم پیامبر صلی الله علیه و سلم صراحت تام دارد که میفرماید: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ» (خداوند نماز زن بالغه را نمی پذیرد؛ مگر آن که روسری داشته باشد) (ابو داود (641)، و الترمذی (377) و می فرماید: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ» «زن عورت است» (ترمذی (1173))

ابو داود از ام سلمه رضی الله عنها روایت می کند که از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسید: «أَتُصَلِّي الْمَرْأَةُ فِي دِرْعٍ وَخِمَارٍ لَيْسَ عَلَيْهَا إِزَارٌ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَ الدِّرْعُ سَابِعًا يَعْطَى ظُهُورَ قَدَمَيْهَا» (آیا زن می تواند در چادر و روسری نماز بخواند، در حالی که ازار (لباسی دیگر) نداشته باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: اگر پیراهنی بزرگ و گشاد بر تن داشته باشد طوری که پشت پاهایش را بپوشاند، بلی) (ابو داود (640)).

ابن حجر در «بلوغ المرام» مینویسد:

ائمه، این حدیث را موقوف دانسته اند. اگر مردی بیگانه آن جا باشد زن باید در نماز چهره و دست هایش را نیز بپوشاند. «بلوغ المرام» بتعلیق المبارکفوری، (صفحه 63). و فتاوی مهمه تتعلق بالصلاة، صفحه (15، 16) شیخ ابن باز

در حدیث شریفی آمده است که: ام سلمه رضی الله عنها گفت: ای پیامبر! آیا زن می تواند در يك پیراهن نماز بخواند؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «نَعَمْ إِذَا كَانَ سَابِعًا يَعْطَى ظُهُورَ قَدَمَيْهَا» «بلی، می تواند به شرط آن که پیراهنش دراز باشد و پشت پاهایش را پوشش بدهد».

توجه بفرماید در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم اسلام پوشش پاها ی زن در نماز مورد شرط قرار گرفته است. (ابوداود (915)، حاکم (250/1) (915). حاکم حدیث مذکور را تصحیح کرده و ذهبی با او موافق است.

برخی ترجیح داده اند که این حدیث موقوف بر ام سلمه است. ابن حجر گفته موقوف بودن آن صحیح است. «مؤطا مالك» 141/1 (324)، «سنن دارقطنی» 62/2، «تلخیص الحبیر» 280/1 (443).

ناگفته نباید گذاشت از حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز بصراحت معلوم میشود که زن در حین نماز باید هردو کف دست، سر و موی های زن مستور و محجوب باشد. طوری که حکم صریح حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ» «الله نماز هیچ زن بالغه ای را قبول نمی کند مگر با روسری». (احمد (150/6، 218، 259)، ابوداود (641)، ترمذی (377)، ابن ماجه 655، (ابن حبان (1711)، حاکم 251/1 (917، 918) ترمذی گفته است «حسن صحیح»

یادداشت توضیحی:

منظور از حایضه در این حدیث زنی است که به سن حیض رسیده باشد، یعنی زنی که به سن تکلیف رسیده است. خُمَار چیزی است که موی سر، گردن و سینه را می پوشاند.

یادداشت فقهی:

قابل تذکر است که مطابق فورمل علمی قرآن کریم که میفرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (کسانی که مجبور شوند در صورتی که از حد تجاوز

و تعدی ننمایند پروردگار آنها را مجازات نخواهد کرد) چرا که الله غفور و رحیم است. بناً طوریکه در فوق هم یاد آور شدیم : اگر برای نماز گزار در زندگی اش به حالاتی اضطراری مواجه و روبرو گردد که : لباسش ساتر عورتش نباشد و وقت نماز فرا رسد و نتواند لباس دیگری را برای ستر عورتش تهیه بدارد ، در اینصورت بر او فرض است که نمازش را قبل از قضا شدن بخواند هرچند اگر لباسی برای ستر عورتش بدسترس قرار نگیرد. وحتی علماء بدین باور اند که اگر کسی عریان باشد و وقت نماز فرا رسد و نتواند لباسی برای ستر عورتش پیدا کند، در اینصورت نیز بر او فرض است که قبل از قضا شدن نمازش را بخواند حتی اگر لباسی برای ستر عورتش پیدا نشود.

نمایان شدن عورت در وقت نماز :

حکم قاطع در نزد جمهور علماء همین است که : پوشش عورت در هنگام ادای نماز جزو شروط صحت نماز است، یعنی اگر کسی عورتش را در وقت نماز نپوشاند، نماز وی بصورت کل باطل هست و باید آنرا از سر تکرار کند. اگر زمانی نمازگزار نماز خویش را با رعایت کامل حجاب آغاز نموده باشد ، ولی در هنگام ادای نماز یک لحظه قسمتی از عورتش ظاهر گردد و او پس از اطلاع از کشف عورت بلافاصله آنرا بپوشاند، اگرچه بعضی از علما بر بطلان نماز حکم نموده اند ، ولی قول صحیح آنست که: نمازش صحیح است و حکم به بطلان نماز وی داده نمی شود. شیخ ابن عثیمین رحمه الله در این بابت می گوید: «هرگاه قسمتی از عورت ظاهر گردد و نمازگزار در زمان اندکی آنرا بپوشاند، نمازش باطل نمی شود، و چنین حالتی زمانی متصور است که مثلاً کسی در حالت رکوع است و بادی درحال وزیدن باشد که باعث گردد لباسش (بحرکت درآید و عورتش) ظاهر شود، ولی همان لحظه لباس را برمی گرداند، .. رای صحیح آنست که نماز باطل نمی شود، زیرا وی بلافاصله عورتش را می پوشاند و عمدی در ظاهر کردن عورت درکار نبوده، و الله متعال می فرماید: « فَأَتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ » (سوره تغابن 16) یعنی: به اندازه ای که می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید». « الشرح الممتع » (75/2) . (تفصیل موضوع را میتوان در : « کشاف القناع » (269/1) . مطالعه فرماید .

حکم پوشیدن لباس های نازك در نماز؟

بسیاری از نمازگزاران بدون رعایت حکم شرعیت ، با لباس نازك نماز می‌خوانند، طوریکه زایاتر از اوقات پوست بدنشان از زیر این لباس نمایان میشود ، و برخی دیگری از نماز گزاران در زیر لباس نازك تنبان کوتاه که تنها نصف ران آنها را تحت پوشش قرار می‌دهد و نصف دیگر آن از پشت لباس‌شان قابل مشاهده است نماز می‌خوانند. حکم و فیصله شرع اسلام در مورد این تعداد از نماز گزاران اینست ، که خواندن نماز شان به کسانی میماند که بدون لباس نماز می‌خواند.

چرا از یک طرف تنبان کوتاه و پوشیدن لباس به شخصی میماند : که طبق شرعی اسلامی ستر را مراعات ننموده ، بنابر قول اکثریت از علمای اسلام ، لباس اینگونه از نمازگزاران از تعریف لباس ستر شرعی خارج بوده و نماز این عده از افراد صحیح نبوده ، و مطابق فتوای امام حنبل (رح) این عده تعریف ستر خلاف عمل نموده ، چرا که مردان باید بین ناف و زانوی خویش را بپوشانند. این کمترین چیزی است که با آن اطاعت از قول الله تعالی حاصل

می‌شود که فرموده است: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف آیه: 31).
 «ای فرزندان آدم بگیرید زینت خود را نزدیک هر نماز».

بر این افراد یکی از دو امر ذیل واجب است:

- 1- یا در زیر لباسشان شورت دراز بپوشند که از ناف تا زانو را تحت پوشش قرار بدهد.
 - 2- یا بالای آن شورت کوتاه، لباس دبل بپوشند که پوست بدنشان معلوم نشود.
- (غرض مزید معلومات مراجعه شود به فتاوی معاصر صفحه (16-17) شیخ ابن عثیمین)

استعمال لباس تنگ برای زنان در نماز:

خواننده محترم!

با گذشت زمان همه چیز در حال تغییر و تحول است، انسانهای این زمانه میخواهند همه چیز را بدون اینکه به عواقب و اضرار آن توجه و اهتمام نمایند میخواهند آنرا به مد روز تغییر و به اصطلاح در آن نوآوری بعمل آرند، در این هیچ شک نیست که تغییر و تحول که جنبه مثبت داشته باشد، مورد تائید شرع بوده زیر تکامل بدون تغییر بعمل نمی، ولی با تاسف دیده میشود که در زیاتر از اوقات همین نواری و تغییرات موجب درد سر های برای انسان میگردد از جمله تغییرات که در این اواخر در لباس بشری بعمل آمده است.

از جمله نوآوری در پوشیدن لباس بخصوص، پوشیدن لباس تنگ، نازک و چسپیده میباشد، انسان بدون اینکه به اضرار لباس نازک و چسپیده و اینکه لباس تنگ و چسپیده، چی عواقب و پیرایم های صیحی را ببار می آورد ولی بخاطر مراعت مدوفیشان به آن پناه میبرد.

یکی از این مشکلات صیحی که در پوشیدن لباس تنگ وجود دارد، اینست که عرق پوست را تحت تاثیر خویش قرار داده و در زیاتر از موارد همین لباس تنگ مانع گردش صحیح خون در بدن میگردد، به خصوص اگر تنگی لباس در ناحیه لگن خاسره، زانو، سینه و حلقه آستین ها باشد. لباس تنگ برای انسان احساس تنگی، گرفتگی و خستگی ببار آورده، و در بسیاری از اوقات همین تنگی لباس موجب کبودی در پوست میگردد.

لباس تنگ در زیاتر از اوقات موجب عفونت مثانه در خانم ها گردیده، و موجب نفخ و باد در معده و در زیاتر اوقات موجب درد شکم میگردد.

اطباء میفرمایند که لباس تنگ نوعی از فشاری که بنام کهیر فشاری یاد میگردد در بدن انسان ایجاد مینماید این نوع کهیر در اثر فشار موضعی بر بدن ایجاد می شود. معمولاً 4 تا 6 ساعت پس از پوشیدن لباس تنگ، یک تورم عمیقی همراه باخارش سوزش و درد در بدن ایجاد می شود که پس از 8 تا 72 ساعت از بین می رود. گاهی تب و لرز، ضعف، خستگی و سردردی هم در کنار این عارضه وجود دارد.

هدف از استعمال لباس تنگ در نماز برای زنها اینست که از لابلای لباس برجستگی های زن نمایان گردد، بنا حکم شرعی همین است که اگر زن در لباس تنگ که، برجستگی های بدن زن را در نماز نمایان نماید، این لباس اش در جمله حجاب شرعی به شمار نرفته و خواندن نماز در این لباس صحیح نمی باشد، ولو اینکه خواندن این نماز نزد محارم شان هم صورت گرفته باشد.

لباس حجاب زن باید فراخ و گشاد باشد، تنگ نباشد، زیرا هدف از حجاب، جلوگیری از نمایان شدن زینت زن است و لباس تنگ، حجم و اندازه همه بدن یا بعضی از بدن را نشان می دهد و اعضای بدن را به تصویر می کشد.

در روایتی اسامه بن زید رضی الله عنهما آمده است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم جامهٔ ستبر و ضخیمی را که از کتان سفید درست شده بود و دهیة کلبی به او اهداء کرده بود، به من بخشید. من آن را به همسرم بخشیدم.

آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «چرا آن لباس را نمی‌پوشی؟» گفتیم: آن را به همسرم بخشیدم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «به همسرت دستور بده تا زیرپوش نیز استفاده نماید. می‌ترسم این جامه، حجم استخوانهایش را نشان دهد». بنابراین بر زن واجب است چه در وقت خواندن نماز باشد، و چه در وقت بیرون از منزل باشد لازم و ضروری است حجاب صحیح و شرعی را رعایت نماید. اما در مورد صحیح بودن نماز زن با لباس تنگی که برخی از اعضای بدنش را برجسته می‌کند، شیخ صالح فوزان طی فتاویٰ چنین حکم نموده است: «نماز زن با این وضعیت صحیح است ولی با این وجود زن (بدلیل پوشیدن لباس تنگ و رعایت نکردن حجاب شرعی) مرتکب گناه شده است.»

شیخ صالح فوزان می‌افزاید :

« برای زن جایز نیست که : لباس تنگی که اعضای بدن زن را نمایان و توصیف می‌کند، و برآمدگی‌های جسمش را برجسته می‌سازد پوشیده شود، وبصورت کل پوشیدن لباس تنگ چه برای زنان باشد و چه برای مردان باشد ، جایز نمی‌باشد ، ولی شدت ممنوعیت پوشش این نوع شدیدتر است.

اما با این وجود، نماز در ذات خود صحیح است (یعنی نماز باطل نیست)؛ هرگاه انسان نماز بخواند و عورت وی با این لباس (تنگ) پوشیده شود نمازش در ذات خود صحیح است، زیرا عورت پوشیده شده است، اما بدلیل پوشیدن آن لباس تنگ مرتکب گناه شده است، زیرا یکی از شرائع نماز به سبب لباس تنگ حاصل نشده است، این از یک سو، و از سوی دیگر: (پوشیدن لباس تنگ) موجب شیفتگی و توجه دیدگان به او می‌شود، للخصوص برای زنان، و لذا بر زن واجب است که خود را با لباسی گشاده و فراخ بپوشاند، بگونه‌ای که او را کاملاً بپوشاند و هیچ یک از اعضای جسم بدن او را وصف و نمایان نسازد و باعث جلب توجه به سوی او نشود، و همچنین لباس نباید نازک و شفاف باشد، بلکه باید لباس (ضخیم و گشادی) باشد که بدن زن را بصورت کامل بپوشاند. «المنتقى من فتاوى الشيخ صالح الفوزان» (454/3).

استعمال لباس خواب در نماز:

طوری‌که قبلاً یاد آور شدیم یکی از شروط صحت نماز پوشاندن عورت بوسیله لباس یا پارچه است بدین‌صورت که مرد از زانو تا ناف و زن تمامی اعضای بدن بغیر از صورت و دو کف دست عورت خود را بپوشاند.

همچنین یکی دیگر از شروط صحت نماز طاهر بودن بدن و پاک بودن لباس و محل نماز خواندن از نجاسات است.

حال اگر برای شخص حالتی پیش که لباس خواب و یا هم لباس کار بتن داشته باشد و وقت نماز فرا رسد، و لباس متذکره تمام شرایط در آن رعایت شده باشد، از جمله لباس طاهره باشد، و به اصطلاح عورت را مخفی سازند (شفاف هم نباشد که پوست بدن را نمایان سازد) در این‌صورت حکم شرع همین است که : نماز خواندن در لباس خواب و یا هم لباس کار بدون

کدام ممانعت مییابد .

ولی بهر حال، شایسته نیست يك فرد مسلمان در برابر پروردگارش با لباس خواب یا کثیف در نماز بایستد، در حالیکه اگر به ملاقت يك حاکم دنیوی برود بدون شك از بهترین لباسهایش استفاده خواهد کرد، ولی در نماز که در برابر پروردگارش میایستد به لباسش اهمیتی نمیدهد و این شایسته نیست هر چند اگر عورت ستر شود و لباسش نجس نباشد از مبطلات نماز نیست.

دلیل پاکی لباس فرموده خداوند متعال است که می‌فرماید : « وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ » (سوره مدثر : 4) «و لباس خویش را پاکیزه دار». و فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : «إذا جاء أحدكم المسجد فليقلب نعليه و لينظر فيهما فإن رأى خبثا فليمسحه بالأرض ثم ليصل فيهما» «هرگاه یکی از شما به مسجد آمد، بوت ها را برگرداند و به زیر آنها نگاه کند، اگر نجاستی بر آن دید آن را به زمین بمالد و سپس در آن نماز بخواند». ابوداود (636)
دلیل شرطی پاکی بدن، فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم به علی است آنگاه که علی درباره مذي سؤال کرد، فرمود : «توضا و اغسل ذكرک» «آلت تناسلی خود را بشوی و وضوء بگیر». بیهقی (115)

و به زن مستحاضه فرمود: «اغسلي عنك الدم و صلي» «خونت را بشوی و نماز بخوان». متفق علیه

دلیل شرط پاک بودن مکان، فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم به اصحابش هنگام ادرار کردن بادیه‌نشین در مسجد است که فرمود : «أريقوا على بوله سجلا من ماء» «بر ادرارش سطلی آب بریزید». متفق علیه.

خواننده محترم !

اگر شخصی مصروف نماز خواندن شد ، ولی متوجه نجاستی که بر لباس اش بود ، نشد ، بعد از ختم نماز یکباره به نجاست لباس متوجه شد ، در این حالت حکم شرع همین است که : نماز نمازگزار صحیح بوده ضرورت به اعاده نماز نمی باشد .
اگر نماز گزار در اثنای نماز متوجه نجاست لباس گردد در این مورد رهنمود شرعی عبارت است :

- اگر امکان برطرف کردن نجاست از لباس باشد مانند اینکه نجاست روی بوت ها یا لباسی اضافی غیر از آنچه که عورت را پوشانده باشد، باید آن نجاست را برداشته و به نماز خویش ادامه داده و نماز خویش را کامل کند.

- ولی اگر برداشتن نجاست (در اثنای نماز) برایش امکان‌پذیر نباشد باز هم باید به نمازش ادامه داده و نیازی به اعاده دوباره نماز نیست . دلیل شرعی در این مورد حدیث ابوسعید است که می‌فرماید : پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز می‌خواند (در اثنای نماز) هردو بوت هایش را درآورد، سایر نمازگزاران هم (به دنبال او) بوت هایش را در آوردند، وقتی که از نماز فارغ شد فرمود : چرا بوت های تان را درآوردید؟ گفتند تو را دیدیم بوت های را درآوردی ما هم آنها را درآوردیم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :

« إن جبريل أتاني فأخبرني أن بهما خبثا فإذا جاء أحدكم المسجد فليقلب نعليه و لينظر فيهما، فإن رأى خبثا فليمسه بالأرض ثم ليصل فيهما » (جبرئیل پیش من آمد و به من خبر داد که بر بوت های من نجاست است، پس هرگاه کسی از شما به مسجد آمد، بوت های را وارونه

کرده و به زیر آنها نگاه کند اگر نجاستی دید آن را به زمین بمالد و سپس با آن نماز بخواند). (ابوداود (636)).

- اگر احياناً شخصی در لباس نجسی نماز خواند و فراموش کرده که لباس اش نجس است، در اینحالت باز هم اعاده دوباره نماز بر او لازم نیست، زیرا در فوق ملاحظه نمودیم که : پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالیکه مصروف نماز خواندن بود که : جبرئیل علیه السلام به وی خبر داد که در قف بوتش نجاستی هست، ایشان هم کفشش را (در همان حالت نماز) بیرون آورد و به نماز خویش ادامه داد. (این روایت را امام احمد از ابوسعید خدری رضی الله عنه در مسند خویش ذکر نموده)
و این حدیث برای این دلالت دارد که : اگر نمازگزار نسبت به نجاستی بی اطلاع بود، و یا فراموش کرد، به تکرار نمازش ضرورت دیده نمیشود. (تفصیل موضوع را میتوان در :إعلام المسافرین ببعض آداب وأحكام السفر وما يخص الملاحین الجویین شیخ محمد بن صالح العثیمین صفحه 12. ملاحظه فرماید).

نماز خواندن در لباس آلوده به منی:

طوریکه قبلاً یادآور شدیم یکی از شروط صحت نماز، پاک بودن بدن، لباس و مکان اقامه نماز از نجاست است و چنانکه یکی از این سه مورد به نجاست آلوده باشند نماز باطل است. اما در مورد اینکه لباس با منی آلوده باشد، در آن لباس میتوان نماز خواند و یاخیر؟ در مورد باید گفت که منی، در مذهب امام صاحب ابو حنیفه و امام مالک از جمله نجاسات شمرده میشود بناً بر اساس رای آنها اگر جسم انسان و یا لباس و یا هم مکان با منی آغشته شده باشد، نماز آن شخص باطل میگردد.

ولی بر طبق رای امام شافعی و امام احمد منی طاهر است و باعث باطل شدن نماز نیست. اما رای راجح آنست که منی نجس نیست و لذا آلوده بودن این سه مورد به منی باعث باطل شدن نماز نخواهد شد. و اگر احياناً شخصی با لباس آغشته به منی نماز خواند ضرری به نمازش وارد نمی سازد.

ولی بهتر است که هرگاه بدن یا لباس به منی آغشته شد، محل آلودگی را با آب شست یا اگر منی خشک شده بود آنرا بطریقی جدا کرد.

حضرت عایشه رضی الله عنها گفته است: «كنت أفرك المنى من ثوب رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كان يابساً وأغسله إذا كان رطباً» (هرگاه منی روی لباس پیامبر خشک می شد آنرا با دست می مالیدم و پاکش می کردم و هرگاه تر و نمناک می بود، آنرا می شستم). (دارقطنی و ابوعوانه و بزار آنرا روایت کرده اند.)
ولی نباید فراموش کرد که :خارج شدن منی از بدن اگر همراه با لذت باشد باعث واجب شدن غسل خواهد شد و تا زمانیکه غسل صورت نگیرد هیچ نمازی صحیح نیست.

استعمال لباس عکس دار در نماز:

همه علماء بدین عقیده اند که اگر لباس نماز گزار دارای عکس واضح و مشخص باشد نماز در آن ناجایز است.

مومن مسلمان حد اعظمی کوشش بعمل آرد تا از استعمال کردن لباس عکس دار در نماز، بخصوص لباس که در آن حواس نماز گزار را به خلل مواجه می سازد، جلوگیری نماید.

در حدیث شریف با تمام وضاحت ذکر گردیده است: « لا يجوز لبس ما فيه صورة حيوان أو إنسان » (در لباس که عکس حیوان و انسان باشد ، خواندن نماز در آن جواز ندارد) (امام بخاری شماره حدیث (3226) و مسلم (2106).

همچنان در احادیث نبوی آمده است که اگر در پرده ای خانه که تصاویر ذی روح وجود داشته باشد بهتر است غرض جلوگیری و دفع وسواس شیطانی در این محل نماز خوانده نشود طوری که این موضوع در حدیثی که از حضرت انس (رضی الله عنه) روایت گردیده است با زیبایی خاصی چنین بیان گردیده است:

میگویند: حضرت بی بی عائشه (رضی الله عنها) پرده ای مَلُونی داشت ، که به آن یک طرف خانه اش را پرده میکرد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم (برایش) گفتند : «أَمِيطِي عَنَّا قِرَامَكَ هَذَا، فَإِنَّهُ لَا تَزَالُ تَصَاوِيرُهُ تَعْرِضُ فِي صَلَاتِي» «این پرده ات را از جلوی چشم ما دور کن، زیرا تصاویرش مرا در نماز مشغول می کند». (بخاری (374))

عالم شهیر جهان اسلام ، ابن جریر در رساله خویش بنام اللؤلؤ المکین، صفحه (۱۱۴) مینویسد: بر مسلمان واجب است ، در صور تیکه بر لباس اش عکس (ذی الارواح) باشد ، آن را شسته و پاک نماید و در صورتیکه غیر ممکن باشد باید چهره ی عکس را به وسیله ی مواد زایل واز بین ببرد .

مسلمان نباید در نماز از لباس استفاده نماید که : حواس انسان را به خود مشغول می کند. طوری که در حدیثی بی بی عائشه (رضی الله عنها) روایت شده است ، که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در لباسی که دارای نقش و نگار بود، نماز خواند و نظرش به نقشهای آن افتاد، پس از اتمام نماز، فرمود:

«ادْهَبُوا بِخَمِيصَتِي هَذِهِ إِلَى أَبِي جَهْمٍ، وَأَتُونِي بِأَنْبِجَانِيَةِ أَبِي جَهْمٍ، فَإِنَّهَا أَلْهَتْنِي أَنْفًا عَنْ صَلَاتِي» «این لباس را برای ابی جهم ببرید و لباس زبر و بی نقش و نگار او را برایم بیاورید؛ چون لحظه ای پیش این نقش و نگارها، توجه مرا از نماز، بسوی خود جلب کرد». (امام بخاری (۳۷۳).

نماز خواندن در لباس که از پول حرام تهیه شده :

خواننده محترم !

باید گفت که : اصل بر پا کردن نماز ربطی به حلال بودن یا حرام بودن لباس و یا هم فرش نماز (جای نماز و فرش مسجد) که از چه پولی تهیه دیده شده است، ندارد. مهم آنست که شخص نماز گزار برای صحت کامل نماز خویش شروط صحت نماز، ارکان و واجبات آنرا بصورت درست و احسن مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام دهد و اداء کند. مسلماً آنچه که در شرع مربوط به مکان و لباس نماز گزار مبنی بر اینکه باید محل ادای نماز، لباس پاک از نجاست، اینکه لباس عورت نماز گزار را بپوشاند و سایر ارکان و واجبات نماز بیان گردیده است.

هرزمانیکه شخص مسلمان این شروط و ارکان را در مورد محل نماز و لباس خود بوجه احسن مراعات نماید و ارکان نماز را کاملاً انجام دهد و واجبات آنرا رعایت کند، ان شاء الله تعالی نمازش مقبول است و حکم به صحت نماز ، نماز گزار داده خواهد شد و چون شرع ظاهر را میبیند و بر قلبها الله تعالی آگاهی دارد که به این ترتیب نماز گزار با خواندن نماز بریء الذمه شد و انشاء الله تعالی که نمازش قبول شده است.

خواننده محترم برادر وخواهر مسلمان!

بادر نظر داشت نظریه و استنباط شرعی فوق علمای اسلام در مورد حکم نماز خواندن در لباس غصب شده یا بدست آورده شده از طریق حرام، و یا لباسی با جنس حرام (مانند ابریشم برای مردها)، و همچنین در مکانی غصب شده، دو قول معروفی را غرض رهنمایی مسلمانها ارائه فرموده اند.

اول:

مذهب مشهور امام صاحب احمد، و ابن حزم و شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته اند که نماز در لباس خریداری شده به پول حرام صحیح نیست. «مجموع الفتاوی» (89/21). استدلال این عده از علماء به حدیثی است که: از ابن عمر رضی الله عنه بصورت مرفوع روایت گردیده است: «من اشتری ثوبا بعشرة دراهم، و فیه درهم حرام، لم تقبل له صلاة ما دام علیه» مسند امام احمد (98/2). یعنی: هرکس لباسی را با ده درهم بخرد که یک درهم آن حرام باشد، تا زمانی که آن لباس بر تن اوست نمازش قبول نمی شود. (ولی سند این حدیث ضعیف است).

دوم:

در مذهب امام صاحب ابوحنیفه (رح) و امام صاحب مالک و امام صاحب شافعی (رحمهم الله) نماز خواندن در لباس که با پول حرام خریداری شده باشد و یا محل آن، صحیح است. «المجموع» (180/3).

من بدین عقیده هستم که: رأی راجح هم قول دوم است زیرا هیچ حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نهی از نماز خواندن در لباس یا مکان غصب شده و یا لباسی که بوسیله ی مال حرام بدست آمده، وارد نشده است. بنابراین حکم شرعی همین است: اگر کسی بر روی فرش نماز بخواند که از پول حرام تهیه دیده شده باشد و یا هم در لباسی نماز بخواند که از پول حرام تهیه دید باشد، اصل نماز اش صحیح است، ولی به هر حال نباید فراموش کرد که: نماز گزار بخاطر پوشیدن لباس حرام گناهکار است و این قضیه به نماز او ربط ندارد. مطمئناً مسؤولیت و جوابگویی در نزد پروردگار و حق العبد مبنی بر تعدی و تخلف بجای خویش به صورت مستقل بحث و مسؤولیت است که بر جای خویش باقی است و انسان متخلف از آن جوابگو خواهد بود. (تفصیل موضوع را میتوان در مجموع الفتاوی مطالعه فرماید).

لباس ابریشم برای مردها شایسته اهل تقوی نیست:

در مورد حکم شرعی در مورد پوشیدن لباس ابریشمی برای مردها و عدم خواندن نماز در حدیثی عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که: «أُهِدِيَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُرُوجٌ حَرِيرٌ، فَلَيْسَهُ فَصَّلَى فِيهِ، ثُمَّ انْصَرَفَ، فَنَزَعَهُ نَزْعًا شَدِيدًا كَالْكَارِهِ لَهُ، وَقَالَ: «لَا يَنْبَغِي هَذَا لِلْمُتَّقِينَ». (بخاری: 375)

عقبه بن عامر میفرماید که در یکی از روزها: یکی از صحابه عبایی ابریشمی را به رسول الله صلی الله علیه وسلم اهداء نمودند، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را پوشید و با آن، نماز خواند. پس از اتمام نماز، به سرعت، مانند کسی که آنرا نپسندیده باشد، از تن بیرون آورد و فرمود: «این لباس، شایسته اهل تقوی نیست». همین روایت در صحیح مسلم بصورت

کاملتر آن ذکر گردیده است و در این روایت اشاره بعمل آمده است به اینکه جبریل علیه السلام در نماز به پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر حرام بودن ابریشم را می دهد، و لذا پس از اتمام نمازش آنرا از تن بیرون آورد، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازش را تکرار نکرد، در مورد عدم تکرار نماز توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم ، علماء دلیل می آورند که : صحت نماز به حرام یا حلال بودن نماز ربطی ندارد.

کلا و لنکوته در نماز

در این هیچ جای شک نیست که پوشاندن سر درحین نماز بنزد تعدادی از علماء برای ایجاد تواضع و فروتنی و برای خشوع و خضوع مفید و موثر میباشد.

اما برخی از مسلمانان بخصوص در افغانستان حکم میفرمایند که امام مسجد حتماً باید در وقت نماز ، کلا ویا لنکوته بسر داشته باشند . اگر احیاناً کدام ملا بی کلا و لنکوته در مسجد بحیث امام مصروف نماز گردد ، چانس ادامه امامت را هم از دست میدهد . حتی در یک تعداد مساجد کلا اضافی برای مصلین گذاشته شده است تا در وقت نماز آنرا بپوشند و به زعم خویش فکر میکنند که در سر لوچ نماز صحیح نمی باشد.

مطابق روایات تاریخی و در حدیث صحیح وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم عمامه میپوشیده است که برخی از اوقات لنکوته سفید ، و در برخی از اوقات از لنکوته ویا عمامه سیاه استفاده نموده است . ولی هیچگونه روایت در احادیث متبرکه به چشم نمی خورد که به مسلمانان در نماز یا خارج از نماز امری به بر سر کردن لنکوته (عمامه) از جانب پیامبر صلی الله علیه وسلم بعمل آمده باشد .

همچنان در روایات اسلامی ذکر گردیده است که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم زیاده از اوقات بدون لنکوته هم نماز خوانده است. ولی نباید فراموش کرد همانطوریکه قبلاً یادآور شدم پوشاندن سر در نماز از جمله آداب نماز است و انسان را در امر خشوع کمک میکند. بناً اگر کسی عمامه بر سر کند، بهتر است ، اما سنت نیست ، و بدون لنکوته وحتی سر لوچ نماز هم انشا الله درست میگردد.

در مورد عبادت در اسلام وبخصوص نماز باید گفت که : عبادات دارایی سه جز است :

۱- ارکان

۲- احکام

۳- آداب است

۱/۱/ ارکان ایجاد یا عدم ایجاد عمل را مشخص می کند .

۲/۲ احکام شکل و چگونگی آنرا معلوم می کند .

۳/۳ و آداب موجب آرایش و تزئین عمل می شود.

بناً اگر در لباس ملل کلاه یا عمامه شامل باشد ، بهتر است هنگام نماز از آن استفاده شود زیرا الله تعالی می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف 31) یعنی: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.

اما مللی که کلاه ویا عمامه یعنی لنکوته جزء لباس آنها نیست ضرورتی ندارد که حتماً هنگام نماز کلاه یا لنکوته به سر کنند زیرا کلاه و لنکوته جزء لباس و زینت آنها نیست برخلاف حالتی که ممکن است کلاه جزئی از آراستن خود با آن باشد.

که نباید مسلمان آنرا به پوشد زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم از لباس « شهرة» منع

فرموده است و لباس شهرة لباسی است که عادت يك منطقه نباشد ولی کسی آنرا بپوشد. ولی اگر یک نفر آنرا بپوشید کسی حق ندارد او را وادار به پوشیدن کند زیرا از سنت عادت است نه سنت عبادت، و در سنت عادت انجام دادن و یا ندادن یکسان است و ثوابی ندارد.

پوشاندن شانه در وقت نماز:

علماء در این مورد متفق القول اند که برای مرد لازم است، تا در وقت نماز شانه های خویش را بپوشاند طوریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی میفرماید: « لا یصلین أحدکم فی الثوب الواحد لیس عاتقه شیء » (در میان شما کسی در لباسی نماز نخواند که یک حصه ای از لباس بر شانه شان نه افتاده باشد.)
همچنان در حدیثی دیگری که از ابو هریره (رض) روایت گردیده آمده است: « قال سمعت رسول الله ص یقول من صلی فی ثوب واحد فلیخالف بین طرفیه » (رواه البخاری : 1-52) (کسیکه در در توته لباسی واحد نماز میخواند، باید دوطرف لباس را بر شانه های خویش به اندازد).

خواننده محترم!

برای یک مسلمان لازم است، زمانی که به نماز مشغول میگردد، باید زیبای خاصی را در پوشاندن لباس خویش بعمل آرد. طوریکه پروردگار با عظمت ما میفرماید: « خذوا زینتکم عند کل مسجد » (برای هر مسجد « نماز » زینت اختیار نماید).
در حدیثی آمده است: « اذا صلی أحدکم فلیلبس ثوبیه فان الله أحق من تزين له » (الحدیث، اخرجہ البیهقی : 2-235 والطبرانی عن ابن عمر) (زمانی که یکی از شما مشغول نماز میگردید، دولباس برتن کند، زیرا الله تعالی نسبت به هر کس لایق و سزاوار زینت است که برایش بعمل آید) زیرا پروردگار با عظمت زیبا است و زیبای را دوست دارد. « إن الله جمیل یحب الجمال » بنا بر نماز گزاران است تا در وقت نماز شانه خویش را که موجب خضوع و خوشی بیشتر میگردد، بپوشاند.

پوشاندن سر در نماز:

طوریکه در فوق یاد آور شدیم، مساله پوشاندن سر در نماز (البته برای مردان) شرط صحت نماز نیست، طوریکه در وقت خطبه پوشانیدن سر از صحت خطبه نمیباشد.
پوشاندن سر سنت است و برهنه بودن سر در منطقه که مردم عادت داشته باشند که در نماز و خطبه سر خود را بپوشانند مکروه می باشد و طوریکه قبلاً متذکر شدیم، این سنت از جمله سنت های است که عادات و رواج مردم را در بر میگیرد و در مناطقی که همه برهنه سر نماز می خوانند برهنه بودن سر از جمله مکروهات نیست.
امام الشاطبی در (الموافقات) این موضوع را با دلایل قوی و مستند، مورد بحث قرار داده است، و ثابت ساخته است که: پوشانیدن سر و بپوشیدن آن مربوط رسم و رواج مردم میگردد، و شریعت در حکم آن عرف مردم را در نظر میگیرد و انسان نباید به شکل و مظهری ظاهر شود که مردم به آن کراهیت دارند. (برای معلومات مزید مراجعه فرماید به فتوای شیخ مصطفی الزرقا و رساله الموافقات شیخ امام الشاطبی).

امام الشاطبی کیست :

علامه شیخ ابو اسحاق ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی غرناطی مشهور به شاطبی که از

جمله یکی از علماء جلیل القدر، مجتهد، فقیهی ومحدث، مشهوری در عالم اسلام میباشد. و مقام بزرگی در فقه، اصول، تفسیر، حدیث، علوم عربی و غیر آن دارا میباشد. از تالیفات مشهوراش (التعریف بأسرار التکلیف) مشهور به الموافقات، در موضوع اصول فقه که در چهار جلد به چاپ رسیده است، کتاب المجالس شرح کتاب بیوع؛ صحیح بخاری است. کتاب الافادات و الانشادات و غیره ... کتب ذی قیمت و پر ارزش را تالیف نموده است. علامه شاطبی در ماه شعبان سال 790 هجری دار فانی را وداع گفت. پروردگار با عظمت او را غرق رحمت بی انتهای خود سازد، و جنت فردوس نصیب اش گردد. حکم و فتاوی اش در عرصه های مختلف زندگی مسلمانان از مقام ومنزلتی خاصی برخوردار میباشد.

حکم لباس سدل در نماز

سدل عبارت از لباسی است که نماز گزار با لباسش خود را بپیچاند و دستهایش را داخل آن قرار دهد و به همین حالت به رکوع و سجده برود. پوشیدن این نوع لباس ها در کشور های عربی معمول بوده و در کشور های غیر عربی کمتر کسی این نوع از لباس ها را میپوشند. در حدیثی ابوداود از عسل بن سفیان از عطاء بن اُبی رباح از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن السدل فى الصلاة و أن يغطى الرجل فاه» «پیامبر صلی الله علیه وسلم از فروهشتن لباس و پوشاندن دهان در نماز نهی فرمود». ابوداود (629)، ترمذی (376)، ترمذی تنها جمله اول را روایت کرده است. ابن ماجه (966)، ابن ماجه تنها جمله دوم را روایت کرده است. و ابن مسعود رضی الله عنه و نخعی و ثوری و ابن مبارک و مجاهد و امام شافعی و عطاء همگی سدل ثوب را در نماز مکروه دانسته اند.

اما مراد از سدل ثوب در نماز چیست؟

علماء در تفسیر پوشیدن لباس «سدل ثوب» معانی مختلفی را ارایه داشته اند: امام شافعی میفرماید: هدف لباس «سدل ثوب» همان لباس است که اگر دراز و رها کرد شود، درازی آن به زمین میرسد. (المجموع: (177/3) و معالم السنن (179/1). شمس الحق در عون المعبود (2/347) گفته که: شیخ خطابی میفرماید: «سدل» یعنی فروهشتن لباس بر تن به طوری که به زمین برسد. که با این تفسیر سدل ثوب در معنای اسبال داخل خواهد بود.

امام نووی در المجموع می آورد:

بر طبق مذهب شافعی سدل (دراز کردن و رها کردن) لباس چه در نماز و چه غیر آن یک حکم را دارد، اگر شخصی جهت کبر و غرور این عمل را انجام دهد پس سدل ثوب حرام است ولی اگر بدون غرور باشد مکروه است ولی حرام نیست. امام بیهقی می گوید که: شافعی در البویطی فرموده است: سدل ثوب در نماز و خارج از نماز اگر به نشانه ی غرور باشد جایز نیست، اما اگر بدون غرور باشد در اینصورت حکم سدل ثوب در نماز خفیف تر از خارج نماز است. بدلیل فرموده ی پیامبر صلی الله علیه وسلم به ابوبکر رضی الله عنه: «إن إزارى يسقط من أحد شقى، فقال له: لست منهم» یعنی: (ابوبکر به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: ای رسول الله

تنبان از شتالنگ (بجلك) پایین تر می افتد؛ آنگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «تو از کسانی نیستی که به قصد تکبر شلوارشان را از بچلک پا پایین تر می گذارند» (بخاری 5784).

... خطابی میفرماید: بعضی از علماء سدل ثوب را در نماز جایز می دانند و این رأی از عطاء و مکحول و زهری و حسن بصری و ابن سیرین و مالك نقل شده است و گفته اند که سدل ثوب در داخل نماز رخصت دارد زیرا شخص نماز گذار در نمازش راه نمی رود در حالیکه در خارج نماز فرد با آن راه می رود. و ابن منذر گفته که عبدالله بن عمر رضی الله عنه و جابر رضی الله عنه سدل ثوب را در نماز جایز دانسته اند و بعد می گوید: نمی دانم که در نهی از سدل حدیثی ثابت شده باشد بنابراین سدل بدون دلیل نهی نخواهد شد. «(المجموع شرح المذهب، کتاب الصلاة، باب ستر العورة، السدل فی الصلاة)

صاحب «نهایه» گوید: سدل یعنی اینکه کسی با لباسش خود را بپیچاند و دستهایش را داخل آن قرار دهد و به همین حالت به رکوع و سجده برود.

(صاحب نهایه) گوید: و این شامل پیراهن و سایر لباسها می شود. در ادامه می افزاید: گفته شده که «سدل» حالتی است که شخص وسط ازارش (لباسش) را روی سرش قرار دهد و بدون آنکه دو طرف آن را روی شانه هایش قرار دهد آن را رها کند. و هدف در نهی این عمل، ترس از نمایان شدن شانه های شخص است. و این رأی آخر، نظر امام احمد است. (مسائل ابراهیم بن هانیء أحمد بن حنبل: رقم (288).

و (شوکانی) در «نیل الاوطار» گفته است که: أبو عبیده در (غریب الحدیث) میفرماید: سدل این است که مرد بدون آنکه دو طرف لباسش را از جلو به خود بپیچد آن را رها کند، اگر آن را به خود بپیچد سدل محسوب نمی شود. (مثلا کسی که عبا بپوشد ولی دو طرف جلویی آنرا به هم نچسپاند، مشمول نهی وارده مبنی بر کراهت سدل ثوب می شود).

نتیجه گیری نهایی:

بادر نظر داشت نظریات علماء در مورد لباس سدل میتوان نتیجه ذیل را بدست آورد:

- نمازگزارانی که ژاکت یا کت یا پالتوی خود را بر روی شانه هایشان قرار می دهند بدون آنکه دستشان را داخل آستین کنند، مشمول نهی وارده در حدیث مذکور می شوند.
- همچنین کسانی که قباء و عبا می پوشند هر چند که دستهایشان را داخل آستین نمی کنند و دو طرف عبا را به هم می چسپانند، مشمول نهی وارده در حدیث نمی شوند.
- علامه سفارینی می گوید:

«از شیخ الاسلام ابن تیمیه سوال شد در باره ی قرارگرفتن قباء بر روی شانه ها بدون آنکه دستها داخل آستین شوند، آیا این عمل مکروه است یا خیر؟ جواب فرمودند:

این عمل به اتفاق علماء ممانعتی ندارد، و مشمول سدل مکروه نمی شود، زیرا این نوع جامه، جزو لباسهای یهود نیست.»

اما بنظر می رسد که تمامی معانی فوق، داخل در معنای سدل ثوب شوند چنانکه جوهری گوید: (سدل ثوبه، یسدله، سدلا) یعنی لباسش را فروهسته کرد. می توان این حدیث را بر تمامی این معانی حمل کرد، چون سدل در بین همه این حالات مشترک است و حمل (کلمه ای) مشترک بر تمامی معانی آن مذهب قوی است.

- و امام شوکانی در نیل الوطار بعد از آنکه اقوال مختلف را درباره ی مراد از «سدل

ثوب» می آورد میفرماید :

مانعی وجود ندارد که حدیث را بر تمامی معانی وارده حمل نماییم، زیرا سدل در بین آنها مشترک است، و (قسمت) مشترک بر تمامی معانی آن حمل می شود و این مذهب قوی و درست است. نیل الاوطار (68-67/2).

اما لازم به ذکر است که برخی از علماء حدیث سدل ثوب را ضعیف و غیر قابل استناد می دانند، و علت ضعف حدیث را وجود شخصی بنام « عسل بن سفیان » در سلسله رجال سند حدیث مذکور می دانند. امام احمد حدیث مذکور را به سبب وجود این شخص ضعیف دانسته و گفته که عسل بن سفیان محکم الحدیث نیست. همچنین یحیی بن معین و أبو حاتم و بخاری نیز این شخص را ضعیف دانسته اند و ابن حبان گفته: او دچار خطا می شود. اما حاکم حدیث را بر شرط صحیحین صحیح دانسته و همچنین شیخ البانی حدیث را در «صحیح الجامع» حسن می داند.

خواننده محترم!

با تأسف باید گفت امروز تعداد از مسلمانان نماز میخوانند ولی به حجاب و نوع ستر عورت که یکی از شرایط اساسی در نماز میباشد، کمتر توجه بعمل میآورند . همچنان در مورد عورت زن باید گفت که : در مورد عورت زن سه حالت وجود دارد :

اول: حالت تبرج:

در «القاموس المحيط» در مورد تعریف تبرج مینویسند : تبرج عبارت از خود نمایی و ظاهر نمودن زینت در مقابل مردان میباشد «تبرجت : اظهرت زینتها للرجال» (لسان العرب، جلد 6، صفحه 130) (تَبَرَّجَتْ: یعنی زن زینت خود را برای مردان ظاهر کرد). «مقایس اللغة» ریشه تبرج را برج می داند و می گوید: «معنای تبرج نشان دادن زیباییهاست» (معجم مقاییس اللغة جلد 1 / صفحه 238). بناً در مجموع گفته میتوانیم که «تبرج» در لغت به معنای ظاهر کردن زینت ها و زیبایی های زن بر غیر محارم است.

قرآن عظیم الشان زنان را از تبرج برحذر و منع داشته است، آن جا که می فرماید: « به سان جاهلیت نخستین ، در میان مردم ظاهر نشوید.» نکته جالب آن که این منع ، در آیه پس از یادآوری منافات دنیا خواهی با آخرت طلبی و خدایرستی ذکر شده است، یعنی تنها آنده از زنانی در دام تبرج و خودنمایی می افتد که رابطه خود را با خدا گسسته باشد. در قرآن کریم در این باره آمده است «... و لاتبرجن تبرج الجاهلیه الاولى....» منظور از تبرج زنان در جاهلیت اولی ، جلوه گری زنان در قبل از اسلام بوده است که در تمامی این دوران به دلیل عدم رعایت دستورات پیامبران زنان دچار چنین معضلی شده که سبب به وجود آمدن پیامدهای بد بسیاری برای جامعه نیز شده است. تبرج از دید علماء اسلام به اتفاق اراء حرام (چه در داخل نماز و خارج از نماز) باشد.

حالت دوم : حالت حجاب است که:

در مساله پوشاندن تمام وجود زن از دید شخص نا محرم مطرح گردیده است ،حجاب یکی وجایب اسلامی که مرد وزن مکلف به اجرای آن میباشد . حالت سوم همان حالت صفور است:

صفور اصلاً (کلمه ء عربی است وبمعنی گنجشک خانگی میباشد) تفصیل آن در فهم فقهی بمعنی غیر مستور بودن کفهای دست، قدم ها و روی. یعنی عمل که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه ء کرام نیز بخاطر اشتراک زنان مسلمان در اجتماع و مسایل اجتماعی و زندگی روزمره اجتماعی مورد بحث بود.

در مورد حالت صفور و حکم آن در اسلام علماء با هم اختلاف دارند، عده ای از علماء آنرا مشروع و جایز میدانند و عده ء از علمای اسلامی آنرا مجاز نمی دانند. میخواهم اضافه کنیم به نتیجه گیری ما از احکام اسلامی و تجربه ء مسلمانان صدر اسلام و حیات پیامبر اسلام دال بر این است که این حالت سوم مجاز بوده و در این مورد سخت گیری های که سبب انزوای غیر شرعی زن از اجتماع شود فهم درست از احکام اسلامی نه خواهد بود. با وجود آن هم اگر در جامعه شرایط حاکم باشد که مراجع عدلی و قضایی و امنیت جامعه چنان باشد که این حالت صفور هم سبب فتنه و فساد شود این حالت هم تا ایجاد جامعه و شرایط معتدل و قابل تطبیق احکام قانون در مورد متخلف و متجاوز به حق دیگر و حق زن این جواز حالت صفور نیز مورد سوال قرار میگیرد.

تشمیر، یابالا زدن لباس در وقت نماز:

تشمیر، جمع ویا بالازدن لباس از جمله بالا زدن آستین ویا بالا زدن اضافه از حد تنبان بالاتر از بجلک پا ها در نماز، را میگویند که این عمل در نزد عامه اهل علم مکروه میباشد.

در حدیثی امام بخاری و مسلم از ابن عباس رضی الله عنه روایت است: که پیامبر اسلام فرمود است: «أَمَرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ، وَلَا أَكْفُ ثَوْبًا وَلَا شَعْرًا» بخاری (812) و مسلم (490).

«به من دستور داده شده است که با هفت استخوان بدن (هفت عضو) سجده نمایم و موهای سر و لباس خود را جمع نکنیم».

در روایت بخاری این هفت عضو ذکر شدند: پیشانی، بینی، دو دست، دو زانو و سر انگشتان پا.

« أَكْفَ: از کف به معنی جمع کردن است».

و مسلم در صحیح خود درباره ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده: «أَنَّهُ رَأَى عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَارِثِ، يُصَلِّي وَرَأْسُهُ مَغْفُوصٌ مِنْ وَرَائِهِ فَقَامَ فَجَعَلَ يَحُلُّهُ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ، فَقَالَ: مَا لَكَ وَرَأْسِي؟ فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّمَا مَثَلُ هَذَا، مَثَلُ الَّذِي يُصَلِّي وَهُوَ مَكْتُوفٌ» مسلم (492). یعنی: «او (یعنی ابن عباس) عبدالله بن حارث را دید که نماز می خواند درحالیکه موی سرش را از پشت جمع کرده بود، ابن عباس آنرا باز کرد! وقتی عبدالله بن حارث نمازش تمام شد رو به ابن عباس کرد و گفت: چکار با سر من داشتی؟ گفت: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: مثال اینکار مانند کسی است که نماز بخواند و دست هایش به پشت بسته شده باشد».

امام نووی در «شرح صحیح مسلم» گفته: «علماء اتفاق نظر دارند که نماز خواندن درحالی که شخص لباس یا آستینش را جمع کرده باشد (بالا زده باشد) و یا موی سرش را از پشت جمع کند و .. و مانند اینها، به اتفاق علماء مورد نهی است و کراهیت تنزیهی دارد، اگر با آنحال نماز بخواند مرتکب عمل بدی شده ولی نمازش صحیح است» «شرح مسلم»

(209).

و باز گفته: « قول اصحّ امام شافعی این است: سجده بر این هفت عضو واجب است کسی که سجده بر یکی از این اعضای هفتگانه را ترک کند نمازش باطل است. همچنین علمای اسلام اتفاق نظر دارند، نمازگزار نباید به هنگام ادای نماز موهای سرش را در وسط آن جمع نماید، و نباید آستینها و دامن لباسش را بالا بکشد و آنها را در یک جا جمع کند. عده بدین باور اند که: این اعمال نماز را باطل می‌کند، اما قول صحیح این است که این اعمال نماز را باطل نمی‌سازد ولی از ثواب آن می‌کاهد و کسی که دست به چنین اعمالی بزند مرتکب امر خلاف می‌شود» شرح نووی بر مسلم، جلد 4، صفحه 209. نقل به معنا بود. و در کتاب «فتح القدیر» (418/1) که یکی از جمله مشهورترین کتب در مذهب حنفی می‌باشد آمده است: «نماز خواندن در حالتی که آستین از ساعد بالا زده شده باشد مکروه است».

و در کتاب «تحفة المحتاج» (162-162/2) که یکی از جمله کتاب های مشهور در مذهب امام شافعی می‌باشد آمده است:

«بالا زدن آستین یا لباس مکروه است. هر چند که به دلیل شغلی اینکار را انجام دهد، و یا بر جنازه نماز بخواند، به دلیل حدیث متفق علیه: .. و حکمت از آن: برای منع نمازگزار از سجده کردن با آنحال است، علاوه بر اینکه این هیئت با خشوع و تواضع منافات دارد». شیخ البانی در کتاب «صفة الصلاة» مینویسد:

«ابن اثیر گوید: معنی حدیث این است که هر گاه موهای نمازگزار پخش باشد در سجده بر زمین می‌افتد و به نمازگزار ثواب سجده با آن می‌رسد (چون موهایش نیز به سجده می‌روند). اما اگر بافته باشد تشبیه شده است به کسی که نماز را با دستهای بسته می‌گزارد و بدین معنی است که موها به سجده نرفته است. می‌گویم (یعنی البانی): معلوم است که این حکم خاص مردان است نه زنان چنانکه شوکانی از ابن عربی نقل کرده است». و از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «إِذَا سَجَدَ الْعَبْدُ سَجَدَ مَعَهُ سَبْعَةُ أَرَابٍ: وَجْهُهُ وَكَفُّهُ وَرُكْبَتَاهُ وَقَدَمَاهُ» مسلم (491). یعنی: «هرگاه عبدی به سجده رفت، هفت عضو بدن به سجده می‌افتند: پیشانی، دو کف دست، زانوهای و قدمها». اینجاست که گفته می‌شود: وقتی موها جمع نشوند، پس آن نیز به سجده می‌رود، و اگر در پشت سر جمع شوند از آن محروم می‌ماند، و این را از حکمت نهی از جمع کردن مو از پشت سر در وقت نماز بیان کردند و خدا بهتر می‌داند.

پیروان امام مالک می‌فرمایند:

زمانی آستین بالا زدن مکروه است که شخص برای نمازش چنین کند، ولی اگر قبل از داخل شدن به نماز بر آنحال بوده باشد، و یا به دلیل شغلش چنین کرده باشد، در اینحالت مکروه نیست، برخلاف جمهور که آن عمل را مکروه دانسته اند. در کتاب «شرح مختصر خلیل» (250/1) آمده است:

«برای نمازگزار مکروه است که آستین خود را بالا زند یا جمع کند، زیرا اینکار نمونه ای از ترک خشوع است.. و البته این زمانی است که برای نماز باشد، اما اگر لباس او (بر همین هیئت) باشد و یا به دلیل شغلش چنین کرده باشد و بعد که نماز فرا رسد با همانحال نماز خواند، کراهیتی ندارد، این را ابن یونس گفته، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «به

من دستور داده شده است که با هفت استخوان بدن (هفت عضو) سجده نمایم و موهای سر و لباس خود را جمع نکنیم» اینگونه خبر دادند که نهی از آن زمانی است که شخص با اینکار قصد خواندن نماز را هم داشته باشد».

ابن عثیمین در مورد حکم بالا زدن آستین در نماز میفرماید :

«اگر بخاطر نماز چنین کند، پس عمل او داخل در فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم می شود : «أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ، وَلَا أَكْفُ ثَوْبًا وَلَا شَعْرًا». یعنی : «به من دستور داده شده است که با هفت استخوان بدن (هفت عضو) سجده نمایم و موهای سر و لباس خود را جمع نکنیم» متفق علیه و اگر از قبل بخاطر انجام کاری و قبل از آنکه نماز بخواند، و یا به دلیل عرق زیاد و امثال این چنین کرده باشد، در اینحالت مکروه نیست. و اگر به این دلیل که آستینش دراز است آنرا جمع کرده است، بایستی آنرا کوتاه کند تا داخل در کبر نشود» «مجموع فتاوی» (308/13). (همچنان غرض مزید معلومات مراجعه فرماید : مرعاء المفاتیح للمبارک کفوری : 3-206 ، ردالمختار : 1-640 ، البحر الرائق : 2-24 ، فتاوی هندیه : 1-150 ، فتاوی دیوبند : 4-100 ، تفهیم المسایل 4-331 للشیخ گوهررحمن المتقط للسمرقندی : 1-52)

سوال وجواب در مورد پوشیدن عورت در نماز:

سوال: عورت چیست و چگونه پوشیده شود؟

جواب: عورت کلمه عربی است و در زبان عربی به هر چیز آسیب پذیر که مورد نگرانی است اطلاق می شود. امام در فرهنگ اسلامی، عورت به نقاطی از بدن انسان اطلاق میگردد که پوشش آن در برابر نامحرم ضروری میباشد .

حدود عورت برای مرد از ناف تا زانو پوشیدن این مقدار از بدن فرض است و بستگی به نماز ندارد، چه در حال نماز و چه در سایر اوقات بر تمام مردها فرض است که این قسمت از بدن خویش را بپوشانند. و برای زن علاوه بر هر دو دست تا مچ دست و هر دو پا و روی ، پوشاندن سایر بدن در هر حال فرض است. گرچه برای زن در حال نماز، پوشیدن چهره فرض نیست، ولی در مقابل مردان غیر محرم در چنین حالی قرار گرفتن جایز نیست.

سوال: اگر مقداری از عورت بدون قصد، ظاهر و نمایان شود، حکمش چیست؟

جواب: اگر يك چهارم عضو ظاهر شود و تا مدتی ظاهر باشد که سه بار سبحان ربی العظیم گفتن ممکن باشد، در این صورت نماز فاسد می شود. اگر به محض اینکه ظاهر شد، آن را پوشید نماز صحیح می شود.

سوال: اگر کسی در تاریکی برهنه نماز بخواند نمازش صحیح است یا خیر؟

جواب: با بودن لباس چه در تاریکی و چه در روشنائی برهنه نماز خواندن جایز نیست.

سوال: اگر کسی در نماز عمدتاً يك چهارم عورت خویش را برهنه کرد، حکمش چیست؟

جواب: نمازش باطل می شود.

سوال: اگر کسی اصلاً لباسی نداشت، چگونه نماز بخواند؟

جواب: با برگ درخت یا به هر نحوی که ممکن باشد عورت خویش را پوشانده، نماز بخواند و اگر احیاناً هیچ چیزی برایش میسر نشود، بنشیند و برهنه نماز بخواند ولی برای رکوع و

سجده اشاره کند. **پایان**

فهرست :

- حجاب
- علل و فلسفه حجاب
- عورت مرد در نماز
- دلیل شرعی بر عورت مرد از ناف تا زانو
- حد عورت زن در نماز
- نمایان شدن عورت در وقت نماز
- حکم پوشیدن لباس‌های نازک در نماز؟
- استعمال لباس تنگ برای زنان در نماز
- استعمال لباس خواب در نماز
- نماز خواندن در لباس آلوده به منی
- استعمال لباس عکس‌دار در نماز
- نماز خواندن در لباس که از پول حرام تهیه شده
- لباس ابریشم برای مردها شایسته اهل تقوی نیست
- کلا و لنگوته در نماز
- پوشاندن شانه و سر در وقت نماز
- حکم لباس سدل در نماز
- تشمیر ، یابالا زدن لباس در وقت نماز
- سوال و جواب در مورد پوشیدن عورت در نماز

حجاب و ستر عورت در نماز

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی – سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library